

سیر تحول معرق چوب در اروپا

محمدتقی آشوری



و دوباره در قرن ۱۴ میلادی شکوفا شوند.

یکی از این هسته‌ها که در توسکان Toscana فعالیت داشت روش جدیدی از معرق چوب را به نام Tarsia - geometrica به کار گرفت. این روش عبارت بود از پوشاندن کامل قسمت‌های تزیین با قطعات چوب که کنار هم چیده و چسبانیده شده‌اند. با رواج این تکنیک در قرن ۱۵ میلادی معرق کاری در شهرهای زیادی از ایتالیا گسترش یافت. خصوصاً، در فلورانس، هنرمندی به نام F di Giovanni di Matteo توانست گل‌آرایی در معرق هنری را به وجود آورد. وی همراه چند تن از دوستانش آثار بارزشی را خلق کرد که امروزه علاقه‌مندان به این هنر به دقت از آنها نگهداری می‌کنند.

از آثار این دوره دو اثر زیبا از برادران پادو Padoue در دست است که در موزه لوور نگهداری می‌شود.

معروف‌ترین هنرمند و مبتکر این دوره مینو B da maino می‌باشد که روش معرق هندسی را ترقی داد و حالت‌های عکسی و پرسپکتیو را در معرق به کار گرفت. این هنرمند، همراه برادرش، به واسطه ابداع روش Dammaianesque شهرت بسیار یافتند. این روش عبارت بود از ساخت نوارهای تزیینی از ترکیبات هندسی.

در اواخر قرن ۱۵ میلادی رنگ کردن انواع چوب به کمک روغن و رنگ‌هایی که در آب جوش در چوب نفوذ می‌کردند شروع شد. با این روش هنرمندان قادر شدند تابلوهای واقعی‌تر اجرا کنند، در حالی که قبل از آن تنها از رنگ‌های طبیعی چوب استفاده می‌شد.

جیووانی ورونا Giovanni da verona در ابتدای قرن ۱۶ در استفاده از این رنگ‌ها مهارت زیادی پیدا کرد و توانست رنگ‌های متنوعی را مورد استفاده قرار دهد. او همچنین توانست به کمک آتش و اسیدها روی آثارش سایه ایجاد کند.

در قرن ۱۶ معرق کاری هندسی قابلیت آن را پیدا کرد تا روی فرم‌های رنسانس به کار گرفته شود. قطعات چوب به وسیله چاقو بریده و در خطوط مستقیم یا مربع‌ها، مستطیل‌ها، مثلث‌ها، چند ضلعی‌ها، ترکیب‌بندی هندسی صورت می‌گرفت. ولی تکرار ترکیب‌بندی با اشکال چوبی بریده شده خیلی

در میان رشته‌های مختلف هنرهای سنتی، معرق کاری هنری است بسیار قدیمی که به احتمال زیاد در آسیای صغیر به وجود آمده و در آنجا رشد کرده است.

قدیمی‌ترین اثر شناخته شده از این هنر، معرقی است از سنگ مرمر متعلق به ۳۵۰ سال قبل از میلاد در قصری در هالی کارناس Hali Carnas در ترکیه امروزی.

معرق کاری نوعی بیان هنری است که در آن به جای استفاده از رنگ بر روی بوم، می‌توان از کنار هم قرار دادن تکه‌های چوب، سنگ، کاشی، شیشه، چرم، در رنگ و بافت‌های مختلف، آثار بارزشی را خلق کرد.

چیدن و کنار هم قرار دادن قطعات می‌تواند فرم‌های هندسی یا موضوعات فیگوراتیو یا انتزاعی را معرفی کند.

آشیا چوبی که بر روی آنها معرق چوب انجام می‌گیرد عبارتند از: انواع جعبه، صندوق، میلمان منزل، سلاح، آلات موسیقی، زیورآلات، تابلو، ساعت‌های دیواری، پاراوان. در ابعاد بزرگ از این هنر می‌توان برای تزیین سطح دیوارها، سقف و کف سالن‌ها و فضاهای مختلف استفاده کرد.

مواد دیگری که همراه چوب در معرق به کار گرفته می‌شود عبارتند از انواع فلزات نرم (مس، برنج، نقره) عاج، استخوان، صدف، لاک لاک‌پشت.

تکنیک اولیه معرق چوب از آسیای صغیر به اروپا، خاصه ایتالیا، رفت و در آن‌جا مورد توجه هنرمندان ایتالیایی قرار گرفت. این تکنیک عبارت بود از «بریدن قطعات چوب و جا دادن آنها در فضای گود شده روی زمینه اصلی براساس طرح از پیش تعیین شده و محکم کردن آن به وسیله چسب. این نوع معرق یا ترصیع کاری راه، در ایتالیا، Intarsia نام نهادند. هنوز از این تکنیک در ایران برای نوشتن آیات قرآنی و اجرای بعضی از طرح‌های هندسی بر روی منابر، درب امامزاده‌ها و مساجد و صندوق‌های روی قبور استفاده می‌شود. همچنین در ایران، هنر ترصیع کاری به طور وسیع روی فلزات، خاصه فولاد، انجام می‌گرفته و هنوز هم انجام می‌گیرد که به طلاکوبی معروف است.

بعد از تجزیه امپراطوری رم، تکنیک اولیه هنر معرق تقریباً به فراموشی سپرده شد. تنها بعضی از هسته‌ها توانستند در ایتالیا به زندگی خود ادامه دهند



در مشرق زمین و در کشورهای مسلمان، میلان و اشیاء کوچک زیادی با طرح‌های هندسی مرصع کاری و تزیین می‌شدند.

در اوایل قرن ۱۷ م. بریدن روکش به وسیله ازه سبب تحول تکنیکی مهمی شد. استفاده از ازه در خرد و ریزکردن موتیف‌ها و بریدن خطوط پیچ در پیچ بسیار مؤثر بود که منجر به ارائه‌ی طرح‌های اصیل ایتالیایی و موتیف‌های اسلیمی در معرق کاری گردید.

۱۶۲۰ نفر از معرق کارانی که در آلمان کار می‌کردند روش جدیدی را به نام Tarsia A incastro به کار گرفتند. این روش عبارت بود از قرار دادن دو تا سه ورق روکش با طبیعت‌های مختلف (رنگ‌های روشن و تیره) و بریدن آنها براساس خطوط طرح. هنرمند این قطعات بریده شده را براساس فرم‌های روشن و تیره، در محل کنده کاری شده، قرار می‌داد تا یک حالت تزیینی مثبت و منفی به دست آید.

این شیوه کار چند سال بعد توسط شارل بول **Charle Boulle** معرق کار بزرگ لویی ۱۴ اقتباس و توسعه یافت.

در اواسط قرن ۱۷ م. معرق کاری هنر روز و مورد پسند مردم بود و رواج و توسعه زیادی یافت. در این دوره معرق کاران زیادی در

فرانسه مستقر بودند که تعدادی از آنها برای دربار کار می‌کردند، از جمله ژان ماک **Jean Mace** که در لوور مستقر بود.

با شروع تزیین کاخ ورسای، این هنرمند توانست دکور سکوها را اطلاق ماری تریز و لویی ۱۴ را در این کاخ با چوب معرق، مس و قلع مرصع کاری کند. در ۱۶۶۷ کلبرت، **Colbert** نخست‌وزیر فرانسه، مأمور تأسیس سازمانی برای حمایت از خلاقیت‌ها شد. او کارگاه سلطنتی گوبلین **Gobelins** را تأسیس کرد و ریاست عالی بخش ظریف کاری چوب و فرش دیواری آن را به لبرو **Lebrun** نقاش داد.

در اواخر قرن ۱۷ معرق کارانی مانند سومه گادرو **J. Sommer. A. GAudron** و یا گولی **Golle P. Golle**، هلندی و دومنیکو کوچی **Domonico Cucci** ایتالیایی در آتلیه گوبلین کار می‌کردند. آنها برای دربار، پارکت، مبلمان و اشیاء

کوچک، خسته و کسل کننده بود. به همین دلیل معرق کاران ایتالیایی روشی را ابداع کردند که به کار سرعت می‌داد. آنها روش معرق کاری در بلوک **Tarsia atoppo** را به کار گرفتند.

این روش عبارت بود از کنار هم قرار دادن میله‌های چوبی با طبیعت و رنگ‌های مختلف به صورت یک مجموعه، به طوری که دو سر این مجموعه نقوش مورد نظر را ارائه می‌دادند. این مجموعه‌های چوبی پس از چسب زدن در پرس قرار داده می‌شد. سپس به صورت ورقه‌هایی بریده و مورد استفاده قرار می‌گرفت، مانند آنچه در هنر خاتم کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این عناصر از پیش ساخته شده ترکیب بندی معرق به صورت نوار یا موزاییک برای اجرا آسان‌تر و سریع‌تر بود.

به تدریج، در آثار استادان ایتالیایی، تزیینات متحول شدند، به طوری که معرق کاران ایتالیایی توانستند بناهای شاخص شهرها، خیابان‌ها، میدان‌ها، قصرها را در آثار خود معرفی کنند. در آلمان شهرهای **Nuromberg** و **Augsbeug** و **Drsersden** از مراکز اصلی معرق کاری بودند.



تابلوهایی با بالکن‌های پیش آمده، راهروهای سرپوشیده و آثار متنوع بسیار در این شهرها ساخته و عرضه می‌شد. در فرانسه هنر معرق کاری، در پایان قرن ۱۵، به پیشرفت‌هایی دست یافت؛ ابتدا در زمان پادشاهی شارل هشتم و بعد در زمان لویی ۱۲ و فرانسوای اول. البته این پیشرفت‌ها بدون شناخت آثار بارزش فلورانس، ونیز و خاورمیانه امکان پذیر نبود.

یکی از آثار بارزش این دوره که توسط **M. Guesnon** در سال ۱۵۰۹ انجام گرفت، کرسی‌های چوبی نمازخانه قصر گیون است که به دستور کاردینال آمبیوس ساخته شد. پستی این کرسی‌ها به شکل زیبایی معرق کاری شده‌اند.

در زمان فرانسوای اول یک گروه از معرق کاران ایتالیایی در فرانسه کار می‌کردند که از میان آنها پانتالونی **M. Pantaleonie** به عنوان معرق کار شاه و ابسته به دربار شهرت زیادی داشت که در ۱۵۳۱ وفات یافت.

در قرن ۱۷ معرق کاری در اکثر نقاط دنیا به روش **Tarsai geometrica** و **Tarsia certosina** انجام می‌گرفت. در شرق دور تزیین روی چوب عبارت بود از نشانیدن (مرصع کاری) صدف روی چوب.



دیگر می‌ساختند که روی آنها معرق کاری می‌شد.

ترکیب‌بندی این آثار به وسیله چوب‌هایی که از جزایر می‌آوردند روز به روز غنی‌تر می‌شد. آبنوس از ماداگاسکار، چوب رز از برزیل، زیتون از سوریه، سنبل از هند، و...

در ۱۶۷۲ ژن ماک Jean Mace در لوور چشم از جهان فروبست و کلبرت Colbeirt را به جای بول Boule او در لوور گمارد.

آندره شارل بول Andre-Charles Boule مبتکر تکنیک خاصی نبود که به نام او ثبت شده باشد. برای اینکه روش کار او Tarsia incastro قبلاً شناخته شده بود، ولی وی استیل خاصی به این تکنیک داد و از مواد تجربه نشده‌ای در معرق کاری استفاده کرد. کارش مجموعه‌ای بود از چوب - صدف - فلز که روی هم قرار گرفته و بریده می‌شد بر حسب اینکه چگونه چیده و چسبانیده می‌شدند حالت‌های خاصی در کار به وجود می‌آورد.

بول مجسمه‌ساز قابلی بود و همین امر به او اجازه می‌داد تا در کادربندی کارهایش از برنز به خوبی استفاده کند. برای این است که او را مبتکر تلفیق چوب و برنز در مبلمان نیز می‌دانند. بول و همکارانش، در مدتی که با هم همکاری می‌کردند، توانستند آثار زیبا و بدیعی برای تمام دربارهای اروپا خلق کنند. بعد از او معرق کاران زیادی در قرون ۱۸ و ۱۹ روش وی را در کارهایشان دنبال کردند.

بول رییس بخش مبلمان سازی کارگاه سلطنتی گوبلین بود - ضمناً او را به عنوان معمار، نقاش، مجسمه‌ساز، موزاییک‌کار و قلم‌زن و معرق‌کار می‌شناختند. امروز یک مدرسه عالی هنری به نام او در پاریس فعال است. در قرن ۱۸ و با شروع پادشاهی لویی ۱۵، مبلمان به طور قابل ملاحظه‌ای به لحاظ زیبایی و اصالت در فرم‌هایشان تحول یافتند و بیشتر فانتزی شدند. خیلی زود معرق کاری، خود را با این سبک جدید از طریق استفاده از چوب‌های متنوع طبیعی و یا چوب‌هایی که با مهارت به رنگ‌های شاد رنگ شده بودند هماهنگ کرد.

همچنین تزیینات خاصی با استفاده از روکش‌های گره‌دار یا ایجاد طرح با

استفاده از رگه‌های چوب Frisage مورد توجه قرار گرفت.

دنباله همان روش‌های سنتی برش چوب با تغییر جهت برش امکان به دست آوردن حالت‌ها و بافت‌های خاصی را به وجود می‌آورد که این طرح‌ها از مرکز به طرف اطراف باز می‌شدند (شبیبه به بال پروانه). قاب کردن این طرح‌ها اغلب با نوارهای معرق کاری شده با طرح‌های اسلیمی و رنگ‌های روشن‌تر از زمینه اجرا می‌شد که با قطعات برنزی نیز هماهنگی خوبی داشت. معرق کاران گاهی از نقاشان برای ترکیب‌بندی طرح‌هایشان استفاده می‌کردند. در میان معرق کاران بزرگ قرن ۱۸ آنهایی که توانستند نوآوری‌هایی داشته باشند و تحولی در این هنر به وجود آورند اکثراً آلمانی‌هایی بودند که در آلمان یا فرانسه زندگی می‌کردند. مبل‌هایی که با امضاء یا زیر نظر این هنرمندان ساخته شد، امروزه همانند تابلوهای نقاشان بزرگ طرفداران زیادی دارد.

در این دوره تحولات زیادی روی مبلمان به وقوع پیوست. فرم مبلمان از حالت فرمالیستی به استیل یونانی تغییر پیدا کرد. قسمت‌های صاف با موزاییک‌های خیلی پیچیده معرق می‌شد. موتیف‌ها عبارت بود از گل‌دان‌های گل، آلات موسیقی، تابلوهای شخصیت‌ها یا تابلوهایی با طرح‌های معماری و همچنین تکنیک برش حرفه‌ای‌تر و موتیف‌ها ریزتر شدند و رنگ‌های مصنوعی با کیفیت بهتری مورد استفاده قرار گرفتند.

در قرن ۱۸ هنر معرق کاری در اروپا به طور وسیع انتشار یافته بود. در ایتالیا، آلمان، انگلستان و فرانسه تکنیک و تزیینات به نوعی تحول یافته بودند. اما مانند قرن ۱۷، فرانسه به لحاظ سلیقه خاص هنرمندانش و ظرافت در کار توانسته بود حاکمیت خود را حفظ کند.

انگلستان هر چند که از نظر سیاسی دشمن فرانسه بود، ولی در مبلمان به دنبال مد فرانسوی بود. طراحان انگلیسی غالباً از آخرین خلاقیت‌هایی که در پاریس در این زمینه اتفاق می‌افتاد ایده می‌گرفتند. در زیر چنین تأثیری تزیینات معرق در انگلستان بعد از ۱۶۶۰ مد شد و برای همین مبلمان‌سازان درودگرانی را که معرق کاری می‌دانستند و از چوب‌های متنوع زیادی در هنر خود استفاده می‌کردند به کار می‌گرفتند.



تزیین معرق در کنار مثبت، مدرنیزم را به خوبی در کارهای شان نشان دهند. استفاده از طرح‌های خاص اسلیمی به صورت ترصیع از ویژگی‌های این دوره است. این معرق‌کاران سعی داشتند تولیداتشان را با سبک‌های هنرهای تزیینی هماهنگ کنند. هر چند ارزش هنری هنرهای تزیینی در این دوره

زیاد نیست ولی معرق‌کاری از تکنیک بالایی برخوردار است. کارهایی که در این زمان ساخته شده تجربه و مهارت زیاد این هنرمندان را نشان می‌دهد. کارهای Ruhlmann Emile نمونه بسیار خوبی از این مهارت است. صنعتگران این دوره بهترین اجراکنندگان وفادار به آثار گذشتگان خود می‌باشند. البته پیشرفت‌های تکنیکی و استفاده از ابزار جدید در کیفیت تولیدات آنها بسیار مؤثر است. بعد از جنگ جهانی دوم تولید مبلمان به صورت انبوه و سری‌سازی با روش‌های صنعتی اجازه استفاده از هنر معرق را نمی‌داد. ولی تقاضای زیاد از سبک‌های قدیم مانند لویی ۱۵ و ۱۶ و شارل دهم باعث رونق هنر معرق گردید.

در میان این کپی‌کاران هنرمندانی به وجود آمدند که با خلاقیت‌های خود و با استفاده از موادی که تاکنون استفاده نشده بود و طرح‌های جدید توانستند هنر معاصر را شکل دهند. در حال حاضر کارگاه‌های معرق‌کاری زیادی در فرانسه، آلمان و ایتالیا فعال هستند. آنها معتقدند زمینه‌های تزیینی هنر معرق هنوز شناخته نشده و لازم است در این زمینه تلاش زیادی صورت گیرد.

منابع:

- Campkin, Maria: The technique of Marquetry. Batsford, London 1969.
- Hobbs Fitchette: Modern Masquetry Handbook. Thames and Hudson London 1980.
- Jackson, F, Hamilton: Intarsia and Marquetry. Sands co 1903.
- Lincoln, William, A: The Marquetry Manual. Stobart Sons, London 1989.
- David Hume: Marquetry. Search Press 1994.
- Etienne Ausseur: La Menuiserie D. art: Flammarion 1928.

مبل‌ها از چوب رُز و بنفشه روکش می‌شدند و موتیف‌هایی از گل‌های گیلاس، آلو، گلابی از چوب طبیعی یا رنگ شده روی آنها خلق می‌کردند. سازندگان مبلمان انگلیسی از قواعد خاصی برای انجام حرفه‌شان پیروی نمی‌کردند و به ندرت اثر خود را امضاء می‌کردند، حتی وقتی که کارهای عالی انجام می‌دادند. آنها به روش خودشان فرم‌هایی از تزیینات روکوکو - نئو کلاسیک به کار می‌بردند.

تعدادی از هنرمندان معرق‌کار که در انگلستان کار می‌کردند فرانسوی بودند مانند Grauelet که در حدود سال ۱۷۴۰ وفات کرد و روبرت آدم . Adam R. طراح برجسته انگلیسی که در بین سال‌های ۵۸ تا ۱۷۵۴ در ایتالیا و فرانسه تحصیل کرده بود و کارهایش تحت تأثیر چی پندل T. Cheppendale بود. آثار وی از نظر شیوه معرق‌کاری و موادی که مورد استفاده قرار می‌داد. از اهمیت زیادی برخوردار است.

در دوره شرتون Sherton هم در انگلستان، سبک فرانسوی لویی ۱۶ مورد توجه قرار گرفته و تقلید می‌شد. به همین دلیل تمامی آثار ساخته شده قرن ۱۸ انگلستان را پوشش می‌دهد. شرتون یکی از بزرگترین درودگران این قرن است که آثار بارزشی را در کارگاه خود به وجود آورده است.

در ابتدای قرن ۱۹ معرق‌کاری و استفاده از روکش‌های رگه‌دار Frisage از مد افتاد و به جای آن استفاده از آکاژو رواج بسیار یافت. تا این که در زمان ناپلئون اول، با استفاده از چوب‌های غیربومی و تزیینات برنزی چند درودگر مانند برادران ژاکوب (Jacobe) آثاری را خلق کردند.

بعد از سقوط اولین امپراطوری، معرق‌کاری با سبک جدیدی دوباره مورد توجه قرار گرفت. هر چند اساس کار پیروی از گذشته بود ولی استفاده از چوب‌هایی با رنگ‌های خیلی روشن مانند چوب لیمو و زبان گنجشک و چنار مد روز شد تا اینکه با آمدن دسملتر desmolter، ژاکوب Jacob و اونور f - Honore این شیوه‌ی کار کم‌کم به فراموشی سپرده شد و به جای آن استفاده از رنگ‌های تیره روی زمینه روشن با موتیف‌های گردان رواج یافت که به سبک شارل دهم معروف شد.

در حدود سال‌های ۱۸۳۰، سبک لویی فیلیپ، تقریباً استفاده از چوب‌های روشن را کاملاً کنار گذاشت. در این دوره کپی مبلمان دوره‌های قبل مانند آثار شارل بول یا سبک‌های لویی ۱۵ و ۱۶ رواج یافت.

در اواخر قرن ۱۹، تقلید از سبک‌های دوره‌های قبل باعث کم شدن خلاقیت‌های جدید شد. اما باز هنرمندانی مانند Emile Galle، Louis Majorelle، A. Charpenter، توانستند با ارائه فرم‌های جدید و